

جایگاه رفتار قلمروپایی در محیط‌های دانشگاهی جهت مطلوبیت تعاملات اجتماعی دانشجویان (بررسی نمونه موردی دانشگاه رجایی)

منا محمدی^۱، حمیدرضا عظمتی^{۲*}

۱. پژوهشگر دکتری معماری، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران.

mona.mohammadi@sru.ac.ir

۲. استاد گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

azemati@sru.ac.ir

تاریخ پذیرش: [۱۴۰۰/۹/۱۷]

تاریخ دریافت: [۱۴۰۰/۷/۱۸]

چکیده

مطلوبیت تعاملات اجتماعی دانشجویان در کیفیت‌مندی فضاهای رسمی و غیررسمی دانشگاه شرطی اساسی است. هدف پژوهش حاضر پرداختن به رفتار قلمروپایی در فضای دانشگاه باتوجه به مفهوم مرزها جهت بهبود تعاملات اجتماعی دانشجویان می‌باشد. پژوهش از لحاظ هدف کاربردی، از نظر نوع داده‌ها ترکیبی (کمی و کیفی)، و روش تحقیق پیمایشی شامل دو قسمت الف) به منظور سنجش دیدگاه افراد، تدوین جدول هدف و محتوا با گردآوری داده‌ها از منابع مکتوب و مصاحبه نیمه ساختار یافته با اساتید روان‌شناسی و معماری ب) طراحی پرسش‌نامه تصویری باتوجه به این جدول و توزیع میان جامعه.

متخصصان شامل ۱۷ نفر از اساتید و جامعه آماری ۴۵ نفر از دانشجویان معماری دانشگاه رجایی می‌باشند. داده‌ها به‌صورت ترکیبی از سه روش مصاحبه، مشاهده و پرسش‌نامه گردآوری شدند. جامعه آماری شامل دانشجویان معماری دانشگاه رجایی با نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای است. پس از طبقه‌بندی اطلاعات بدست آمده با استفاده از نرم‌افزار اس پی اس اس، به بررسی و تحلیل آنها پرداخته شده و مرزهای مطلوب از نظر دانشجویان با آزمون تی تست استخراج گردید. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که دانشجویان مرزهای میانه را برای محرمیت فضایی در حضور فردی و گردهمایی‌های دوستانه مطلوب‌تر می‌دانند.

واژگان کلیدی: رفتار قلمروپایی، مرزها، حریم، تعاملات اجتماعی، محیط دانشگاهی

۱- مقدمه

نگاهی تاریخی به اصطلاح فضای شخصی در مباحثات انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی نشان می‌دهد که این موضوع در فرهنگ‌ها و جوامع گوناگون همواره ارزشمند ولی با این حال، تعریف، توصیف و مفهومی واحد از این اصطلاح هنوز به دست نیامده است. به طوری که مصادیق قلمرو خلوت و حیطة خصوصی از فرهنگی به فرهنگ دیگر و از جامعه‌ای به جامعه دیگر و از زمانی به زمان دیگر فرق می‌کند. (موسی‌زاده و مصطفی‌زاده، ۱۳۹۱).

آموزش عالی، نوعی جامعه‌پذیری جدید برای دانشجویان و به معنای عضویت در یک اجتماع علمی فرهنگی با مناسبات، روابط و هنجارهای خاص خود است (علیتاجر و زارعی حاجی‌آبادی، ۱۳۹۵) با ارزیابی به عمل آمده از دانشگاه‌ها دیده می‌شود بخش اعظم آن را دانشکده‌ها و کلاس‌های درسی و سایر فضاهای بسته تشکیل می‌دهند و در کامل‌ترین صورت این فضاها با سالن‌های اجتماعات، آزمایشگاه‌ها و ورزشگاه‌ها تلفیق شده است (عظمتی، ۱۳۹۱) و در این بین کمتر به نیازهای روانی کاربران توجه شده است. جان لنگ محقق برنامه‌ریزی و طراحی محیطی تأکید می‌کند که عدم توجه به نیازهای استفاده‌کنندگان فضا می‌تواند صدمات زیاد فیزیولوژیکی و روانی به انسان وارد نماید (عظمتی، ۱۳۹۱) عواملی چون عدم تعریف مناسب از فضاهای شخصی نبود حس تعلق نسبت به این فضاها حضور مؤثر دانشجویان را در دانشگاه کم‌رنگ می‌نماید، کمبود عوامل دعوت‌کننده به فضاهای گروهی و همچنین دید و منظر نامناسب از جمله مشکلات فضاهای دانشگاهی است که باعث عدم کارایی این‌گونه فضاها می‌شود. فقدان فضاهای دنج، حریمیت، امنیت، فضاهای نیمه‌شخصی و خلوت، حریم‌های گروهی مناسب و همچنین وجود عواملی چون ازدحام، انعطاف‌ناپذیری فضا و ... باعث ناکارآمدی فضاهای دانشگاهی شده و بهره‌مندی صحیح را از آن‌ها گرفته است. گیفورد^۱ در پژوهش خود یکی از مهم‌ترین عوامل موجود در محیط را عدم توجه اجتماعی محیط از سوی طراحان و توجه صرف به عناصر کالبدی و شاخصه‌های فردی فارغ از عوامل معنایی برمی‌شمرد و بر ضرورت تجدیدنظر شناسایی تفاوت معنایی بین طراحان و استفاده‌کنندگان تأکید می‌کند (فروزنده و همکاران، ۱۳۸۹). فضای داخلی زیبا و نقوش دل‌نشین و فضای شخصی توأمان راهی برای توسعه حس تعلق به محیط یادگیری در جوانان در حال رشد است (پورباقر، ۱۳۹۲). در ارتباط با عوامل مطلوبیت فضای شخصی در محیط یادگیری می‌توان اشاره کرد که این فضا با دیگر فضاها، از تفاوت‌های قابل توجهی برخوردار می‌باشد. زیرا که در این زمینه خاص مطلوبیت علاوه بر عناصر کالبدی یک عنصر فرهنگی- اجتماعی، روانی و فردی نیز قلمداد می‌گردد، در واقع عوامل وابسته به مطلوبیت فضای شخصی از نگاه استفاده‌کنندگان آن دارای دو بعد است؛ یکی شامل عناصر غیر فیزیکی و دارای کیفیت ذهنی است و دیگری متأثر از زمینه‌های بیرونی و کالبدی است و طراح می‌تواند بر آن تأثیر داشته باشد. از این رو طراحان و معماران با شناسایی خلأ موجود به روش‌های بین‌رشته‌ای در جهت شناسایی این معانی و احساسات محیطی روی آوردند (فروزنده و همکاران، ۱۳۸۹). بر همین اساس این تحقیق بر آن است مفهوم «فضاهای شخصی» که یکی از معانی مورد توجه در حیطه روان‌شناسی محیطی است را مدنظر قرار داده و عوامل مؤثر بر آن را در «محیط‌های یادگیری» مورد مطالعه قرار دهد و از میان این عوامل متعدد که هر یک به‌گونه‌ای بر مطلوبیت فضا مؤثرند، به بررسی تأثیر انواع مرزها و چگونگی حریم‌ها بر افزایش مطلوبیت فضای شخصی پرداخته و با بررسی جزئی‌تر این مؤلفه برای طراحی فضاهای جدید که کیفیات خاصی را عرضه می‌دارند، استفاده نماید.

۲- فرآیند پژوهش

۱-۲ اهداف تحقیق

فضای خصوصی سرپناهی کالبدی برای بدن فراهم می‌کند و با فضاهای ذهنی و شخصی (که همراه فرد قابل حمل هستند) هم‌تراز است. این نوع کنترل به انسان‌ها سلامت اجتماعی و روانی می‌بخشد. عرصه خصوصی با ایجاد تعادل بین آنچه باید در خفا باشد و

آنچه می‌تواند آشکار شود تعادلی برای درک فرد از خودش و ایجاد ارتباط با دیگران، فراهم می‌کند (سیفیان و همکاران، ۱۳۸۶) تقویت نقش این فضاها در افزایش حضور، مشارکت مؤثر، هویت و حس تعلق کاربران موثر است. لذا هدف کلان این مطالعه بررسی رفتار قلمروپایی در فضای دانشگاه با تأکید بر مفهوم مرزها جهت بهبود تعاملات اجتماعی است و ضمن مرور نظریه‌های روان‌شناسی و معماری در حوزه حریم خصوصی، فضای شخصی، مفهوم مرز و لزوم خلوت، تحت نظر متخصصان اهداف خرد شامل:

- شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر در مطلوبیت فضاهای شخصی و حریم خصوصی در محیط‌های یادگیری
- بررسی نقش مرزها در جهت تقویت نقش فضاهای شخصی می‌باشد.

۲-۲ سوالات تحقیق

- عوامل موثر بر رفتار قلمروپایی در محیط‌های دانشگاهی از نظر دانشجویان در فضاهای گوناگون کدام‌اند؟
- مرزهای مطلوب جهت حریم قلمروهای فردی و اجتماعی چه ویژگی‌هایی دارند؟

۳-۲ روش و طرح تحقیق

روش تحقیق این پژوهش پیمایشی می‌باشد، در ابتدا برای گردآوری داده‌ها از منابع مکتوب و مصاحبه باز پاسخ از متخصصین این حوزه استفاده شده است، از متن مصاحبه‌ها جدول هدف محتوا تدوین شده و حاصل داده‌های مرحله اول به روش تحلیل محتوا تجزیه و تحلیل و طبقه‌بندی گردید. سپس برای تعیین میزان اهمیت مؤلفه‌ها پرسش‌نامه‌ی دارای ساختار توسط محقق ساخته شد و بین متخصصین و کاربران (در دو مرحله پرسش‌نامه اولیه و پرسش‌نامه نهایی) توزیع گردید. داده‌های جاصل از این پیمایش توسط نرم‌افزار spss تحلیل شد و خلاصه‌ی آماری پاسخ‌ها تهیه گردید (نتایج به صورت نمودار در ادامه ارائه شده است). در نهایت مرزها به عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم از نظر کاربران انتخاب شده و چگونگی و مطلوبیت آن توسط پرسش‌نامه تصویری از کاربران پیمایش و با نرم‌افزار ذکر شده تحلیل شد و نتایج حاصل گشت.

جامعه آماری این پژوهش مجموعه‌ای از متخصصین (۱۷ نفر از اساتید دانشکده‌های معماری، روان‌شناسی و علوم تربیتی) و دانشجویان (۴۸ دانشجوی مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه شهید رجایی) و روش نمونه‌گیری به صورت خوشه‌ای تصادفی می‌باشد.

باتوجه به نبود پرسش‌نامه استاندارد مرتبط با موضوع ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه محقق ساخته بوده است برای بررسی روایی ابزار، سوالات پرسش‌نامه و جدول هدف محتوا توسط ۵ تن از اساتید رشته معماری به تأیید رسید و رابطه بین هدف و محتوا و پرسش‌نامه برای تأیید فرضیه‌ها، بررسی شد و میزان آلفای کرونباخ برای پرسش‌نامه بعد از حذف سؤالات نامناسب، برابر با ۰.۹۴۰ به دست آمد، لذا پرسش‌نامه از پایایی لازم برخوردار است. در این پژوهش این تحلیل‌ها به وسیله نرم‌افزار spss انجام گرفته است و باتوجه به ماهیت سؤال‌های پژوهش از آزمون مناسب آماری t تک گروهی استفاده شد.

۳- پیشینه پژوهش

۳-۱ معماری و مفاهیم مؤثر در تعاملات اجتماعی

محیط ساخته شده باید پاسخ‌گوی نیازهای کاربران باشد. از جمله این نیازها، نیاز به روابط متقابل ما با دیگران در فضا می‌باشد. با نظری به معماری گذشته در می‌یابیم که نیاز به تعاملات اجتماعی و ارتباط با هم‌نوعان، حفظ حریم‌ها و نیاز به خلوت در جای خود به خوبی پاسخ می‌گرفتند، به گونه‌ای که تأمین، تعریف و شفافیت مناسب قلمروهای خصوصی، نیمه‌خصوصی و عمومی، همراه با افزایش تعاملات اجتماعی مد نظر قرار داشتند.. (ارژمندو خانی، ۱۳۹۱)

درباره تعامل اجتماعی مفاهیمی مورد بحث قرار می گیرد که عبارتند از: خلوت، قلمرو، حریم، فضای شخصی، تراکم و ازدحام. این عوامل در نحوه تعامل افراد و تأثیر محیط فیزیکی برای برقراری اجتماعی تأثیرگذارند. (پیشین) در ادامه این بخش ابتدا مفاهیم ذکر شده به اختصار توضیح داده شده و در نهایت به بررسی آن ها در مناسبت با فضای شخصی پرداخته می شود.



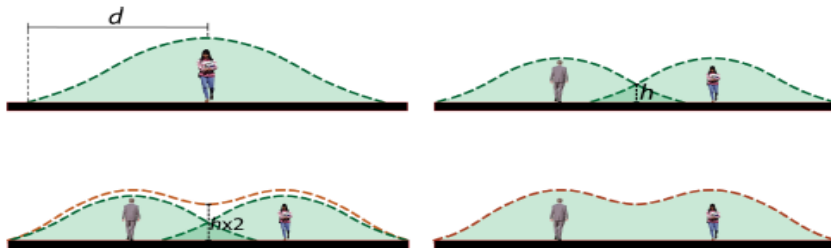
شکل ۱. فواصل مربوط به فضای شخصی (منبع: Hall;1996)

فضای شخصی

موضوع فضای شخصی (که اول بار توسط هایدگر بکار گرفته شد) یکی از موضوعات مورد علاقه ادوارد هال بوده است، وی در این رابطه مقوله فرهنگی را باز کرده است. هال روابط بین شخصی (و متعاقب آن، فضاهای بین افراد) را به چهار دسته تقسیم کرده است: صمیمی، شخصی، اجتماعی و عمومی.

روان شناسان اجتماعی و زیست محیطی مانند سمر^۲ و التمن^۳ در تبعیت از ادوارد هال تحلیل مفهوم فضای شخصی را درون چارچوب مطالعات محیطی و رفتاری دنبال کردند، به گفته سامر فضای شخصی ناحیه ای است با پیوندهای نامرئی که بدن شخص را احاطه کرده اند که تجاوز دیگران به این فضا یا حریم باعث ناراحتی فرد می شود، فضای شخصی فرایندی متغیر است. (ارژمندوخانی، ۱۳۹۱) درعین حال فضای شخصی فضای عینی نیز هست به این معنا که فرد و دیگرانی که در نزدیکی او حضور دارند بر سر رعایت حد و حدود این فضا به توافق رسیده اند. اگرچه ممکن است بر سر روش و چگونگی رعایت کردن و ابعاد این فضای شخصی با یکدیگر موافق نباشند. این فضا را قلمرو قابل حمل می نامند (sommer, 1969) در این فضا افراد احساس امنیت بیشتر کرده لذا روابط بین چند نفر متکی است به تأمین امنیت جسمی و روحی و روانی که در اثر قبول فضایی ذهنی و انتزاعی افراد که در یک فضای عمومی قرار می گیرند. (مدنی پور، ۲۰۰۳)

فضای شخصی فضایی است که دیگرانی که در اطراف بدن فرد حضور دارند آن را به عنوان امتداد بخشی از بدن فرد تلقی می کنند (sommer, 1969) در واقع بین فضایی داخلی بدن و فضایی که وجهه معمارانه پیدا می کند لایه ای وجود دارد که نامرئی و متحرک است



تصویر ۲. هاله نامرئی اطراف بدن (Glen Wash Ivanovic, 2013)

2 Sommer
3 Altman

در کنار معیارهای ارزیابی حریمیت، مفهوم فضای شخصی به‌عنوان نوعی مرزبندی فضای درونی و بیرونی مطرح می‌شود. با این تعریف فضای شخصی فرد محیط پیرامون بدن اوست که قابل ارزیابی از طریق فاصله‌ها و زوایا است. (انصاری و همکاران، ۱۳۸۹) از دید التمن برای فهمیدن این که محیط‌های طراحی شده تا چه اندازه پاسخگویی استفاده‌کنندگان گوناگون است. می‌یابد دید که گروه‌های گوناگون چگونه فضای شخصی خود را برمی‌گزینند و محیط‌های گوناگون چگونه به روابط متفاوت در فضای شخصی می‌انجامد. به گفته او می‌توان این پرسش‌ها را پیش نهاد: «محیط تا چه اندازه تغییر در فضای شخصی را ممکن می‌سازد؟» و «آیا محیط‌ها به این قصد طراحی می‌شود که افراد ناگزیر باشند در آنجا در فضای شخصی خاصی گیر کنند؟» (Altman, 2000). بعضی محیط‌ها بدون خسارت و دخل و تصرف قابل شخصی‌سازی هستند. محیط‌های دیگری که سامر آنها را «معماری سخت» نامیده مشکل‌تر شخصی می‌شوند (lang, 2004)

قلمرو

از نظر لئون پاستالان: «قلمرو مکانی، فضای محدود شده‌ای است که افراد و گروه‌ها از آن به‌عنوان محدوده اختصاصی استفاده و دفاع می‌کنند. قلمرو با یک مکان، هویت روان‌شناختی می‌یابد و با احساس مالکیت و ترکیب کالبدی به‌صورت نماد درمی‌آید». هم‌چنین از دیدگاه التمن «رفتار قلمرویی، سازوکاری است برای تنظیم حریم بین خود و دیگران که با شخصی‌سازی و یا نشانه‌گذاری یک مکان یا یک شی و تعلق آن به یک فرد یا گروه بیان می‌شود» (lang, 2002). به‌علاوه قلمرو باعث می‌شود حس متمایز بودن، حریم خصوصی و حس هویت فردی تقویت شود. (Bell at al, 1969)

کنترل مستمر بر بخش‌های خاص از فضای کالبدی توسط فرد یا یک گروه منجر به شکل‌گیری یک قلمرو می‌شود. (مدنی‌پور، ۲۰۰۳) التمن با اشاره به پژوهش‌های افراد گوناگون درباره قلمرو، ۳ گونه قلمروی «نخستین»، «دومین» و «همگانی» را مورد بحث قرار می‌دهد. حسین الشراکوی چهارگونه قلمرو مکانی راحت عنوان، قلمرو «پیوسته»، «مرکزی»، «حامی»، «پیرامونی» تعریف کرده است. رفتار قلمروپایی در برگرفته نشانه‌گذاری و شخصی کردن مکان است» (Altman, 2000)

قلمروپایی یکی از ابعاد اجتماعی فضاهای شهری است. کیفیت و نحوه رویداد آن با کیفیت فضاهای عمومی شهری مرتبط است. به عبارتی، چگونگی و میزان رفتار قلمروپایی شهروندان با معیارهایی که توسط آن‌ها شهروندان فضای عمومی شهری را مطلوب یا باکیفیت می‌دانند، تأثیر متقابل دارند. تعریف مفهومی قلمروپایی (قلمروگرایی) به لحاظ مفهومی قلمروگرایی به‌معنی تأمین فضای شخصی، تأمین خلوت و داشتن رفتار قلمروپایی است. قلمروگرایی، چگونگی ارتباط مردم در فضای ساخته شده و چگونگی کنترل مردم بر فضای معماری از طریق رفتار قلمروپایی است. (یگانه و همکاران، ۱۳۹۲) به گفته لنگ آشفستگی در قلمرو و قرارگاه‌های رفتاری در چند حالت می‌تواند رخ دهد. گاهی ممکن است فعالیت‌هایی که باید از هم جدا باشند، به‌خوبی از هم جدا نشده باشند. در برخی مواقع نیز ممکن است تفکیک و جدایی بیش از اندازه لازم میان فعالیت‌ها باعث این اختلال شود.

قلمرو مکانی، فضای محدود شده‌ای است، که افراد از آن به‌عنوان محدوده اختصاصی استفاده می‌کنند و رفتار قلمروپایی محدوده‌ای است، برای تنظیم حریم بین خود و دیگران که با شخصی‌سازی، نشانه‌گذاری و تعلق آن به فرد، بیان می‌گردد (لنگ، ۱۳۸۱) از سویی دیگر، مفهوم قلمرو تنها موضوعی فضایی نیست، بلکه یک پدیده اجتماعی نیز هست (Hosseini at al, 2016) نتایج پژوهش (Raeesi at al, 2015) حاکی از آن است که تأمین خلوت، مانع احساس ذهنی ازدحام و تنش بوده و در کیفیت روابط متقابل مردم تأثیرگذار است (حنیفه و همکاران، ۱۳۹۷)

خلوت

راپاپورت^۴ خلوت را «توانایی کنترل تعامل اجتماعی، حق انتخاب و امکان تعادل اجتماعی دلخواه فرد» تعریف کرده است. فرد و همین طور گروه، گاه نیاز به «بادیگران بودن» دارد و گاه نیاز به «جدا بودن از دیگران». (ارژمند و خانی، ۱۳۹۰) به گفته التمن در گذشته «خلوت» فرآیندی متشکل از حذف و کناره گیری به شمار می رفت؛ به معنای «تنها بودن»؛ طراحان نیز بیشتر این برداشت را با طراحی بخش هایی جدا و ناوابسته پیاده می کنند. اما از دید التمن، خلوت فرآیند نظارت بر مرز متغیر خود و دیگری است (Altman, 2000). وستین^۵ چهار مقصد را که با خلوت تأمین می شوند استقلال فردی، کاهش هیجانات روحی، خود ارزیابی و محدود و قابل کنترل نمودن روابط می داند. نوع و میزان خلوت مطلوب، به الگوی جاری فعالیت، زمینه فرهنگی، شخصیت و انتظارات فردی وابسته است. (lang, 2004). آلمتن «فضای شخصی» را یکی از سازوکارهایی می داند که فرد راتوانا می سازد تا فاصله و جهت گیری خود را نسبت به دیگران جا به جا کند.

خلوت و قلمرو در مناسبت با فضای شخصی

الف: «فضای شخصی» قابل انتقال است و از جایی به جای دیگر با شخص مورد نظر حرکت می کند. درحالی که قلمرو به طور نسبی ثابت است. به گفته التمن «فضای شخصی» به فرد «متصل و وابسته» است، در صورتی که «قلمرو» معمولاً به منطقه ای جغرافیایی گفته می شود که نامتحرک و پایاست (Altman, 2000)

ب: حیوان یا انسان معمولاً قلمرو خود را مرزبندی کرده و به گونه ای مملوس و محسوس آن را به دیگران تفهیم می کند، در مقابل مرزبندی «فضای شخصی» نامحسوس و ناملموس است و به گونه ای نامریی بر روابط بین افراد حاکم می شود.

ج: «فضای شخصی» برای هرکس پیکر او را در مرکز خود دارد. درحالی که قلمرو چنین نیست. یعنی چه پیکر شخص در میان باشد یا نباشد، قلمرو به قوت خود باقی است (فرهنگی، ۱۳۷۳).

د: واژگان خلوت و فضای شخصی اگرچه به ظاهر شباهت زیادی به یکدیگر دارند اما در مفهوم تفاوت هایی دارند، التمن «خلوت» را عالمی مرکزی و هسته اصلی پیوند دهنده مفاهیم فضای شخصی، قلمرو و ازدحام معرفی می کند در جایی که فضای شخصی سازوکاری است که از آن برای نظارت بر تعادل میان فردی و دستیابی به خلوت مطلوب استفاده می شود. از دید التمن، بررسی مفاهیم خلوت، فضای شخصی، قلمرو و ازدحام، برای شناخت تعامل محیط و رفتار بسیار حائز اهمیت اند.

۲-۳ مرزها**مرز به عنوان ابزاری برای تفکیک فضا**

برپایی مرزها هم برای آنانی که طرفدار جلوگیری از تجاوز عموم به عرصه خصوصی هستند و هم سایرینی که عرصه عمومی را از تعرض گام به گام عرصه خصوصی مورد دفاع قرار می دهند به عنوان اقدامی برای تعیین حد و حدودها و حفاظت از فضا مطرح می - باشد. این مرزها که هم به پنهان کاری و هم به آشکارسازی تعادل می بخشد. براساس نظر نگل^۶، «مرز و محدوده بین آنچه ما آشکار می سازیم و آنچه که مخفی می داریم (و همین طور کنترل ما بر آن محدوده) از جمله مهم ترین ویژگی های بشریت است».

خط مرز بین عرصه عمومی و خصوصی دو وجه دارد: از یک طرف، عناصر مخرب را از بخش عمومی دور نگه می دارد و از طرف دیگر، زندگی خصوصی فرد را از چشمان خیره عموم مردم محافظت می کند. هویت های جداگانه قلمروهای عمومی و خصوصی اغلب از برپایی مرز بین آنها نشأت می گیرد. (مدنی پور، ۲۰۰۳)

4 Amos Rapoport

5 Westin

6 Nagel

برای مطالعه این مرزها لازم است بدانیم آن‌ها چگونه ساخته شده‌اند، از چه ساخته می‌شوند، چه چیزی را نشان می‌دهند و چگونه آن‌ها به عرصه‌هایی که درون هریک وجود دارند، مرتبط می‌شوند. ممکن است هیچ کیفیت ذاتی برای قطعات تفکیک شده فضا وجود نداشته باشد و فقط چگونگی تفکیک آن توسط مرزهاست که به فضا ویژگی خاص خود را می‌دهد. لذا این کیفیت و ویژگی‌ها از طریق فرآیند مرزگذاری که محدوده‌ها را تعریف می‌کند، کسب می‌شوند. روابط اجتماعی از طریق تعریف فضا و محصور نمودن آن درون مرزهایی که عرصه عمومی را از خصوصی متمایز می‌کنند صورتی فضایی و کالبدی به خود می‌گیرد و پدیده‌های اجتماعی دائم-تغییر را به گونه‌ای ملموس و به‌طور نسبی با ثبات نمایش می‌دهد (مدنی‌پور، ۲۰۰۳)

مرز به‌عنوان ابزاری برای برقراری ارتباطات

مرزها همان‌قدر که وسیله‌ای برای جدا کردن دو قلمرو و حفاظت از یکی در مقابل دیگری هستند، رابط و مکانی برای برقراری ارتباط بین آن دو نیز می‌باشند. درب ورودی خانه نقطه شروع هم برای ورود به درون خانه و هم ورود به دنیای بیرون یعنی خیابان‌هاست. بنابراین یک مرز و محدوده بخشی از هر دو طرف یا هیچکدام است. در طراحی محدوده‌های فضایی می‌توان با ایجاد اتصال بین دو قلمرو، به رابطه دوسویه اجتماعی و سرزندگی در فضای شهری پرداخت. درجایی دیگر، مرز و محدوده بین فضاهای عمومی و خصوصی مبهم نگه داشته می‌شود تا ارتباطات و تعاملات اجتماعی افزایش یابد. هم‌زمان، دو قلمرو از هم فاصله می‌گیرند تا منافع خصوصی نتواند منابع عمومی را تحت‌الشعاع خود قرار دهد و قلمرو عمومی نتواند در عرصه خصوصی رسوخ کند. (مدنی‌پور، ۲۰۰۳)

از این‌روست که آلمان سازوکارهای تنظیم مرز میان خود و دیگران را دارای ماهیتی بسیار پیچیده می‌داند. او حتی اشاره می‌کند که افراد از فاصله گرفتن، حالت زاویه‌دار نشستن، پرهیز از برخورد نگاه و موانعی مانند میز یا صندلی و یا دیگر عوامل در مکان‌های همگانی برای تنظیم تماس و ارتباط خود با دیگران بهره می‌برند.

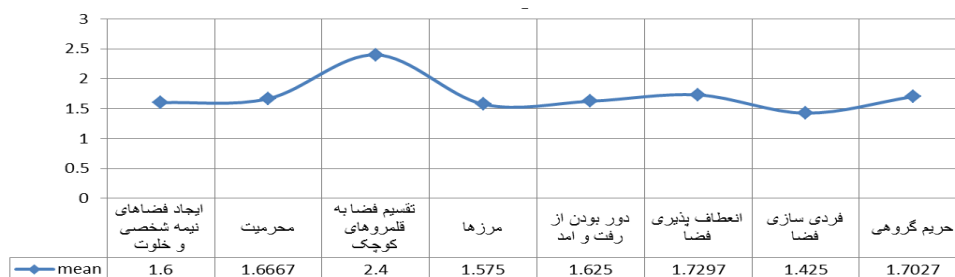
۴- بحث و یافته‌های تحقیق

۴-۱ مطالعه و بررسی پرسش‌نامه متخصصین و کاربران

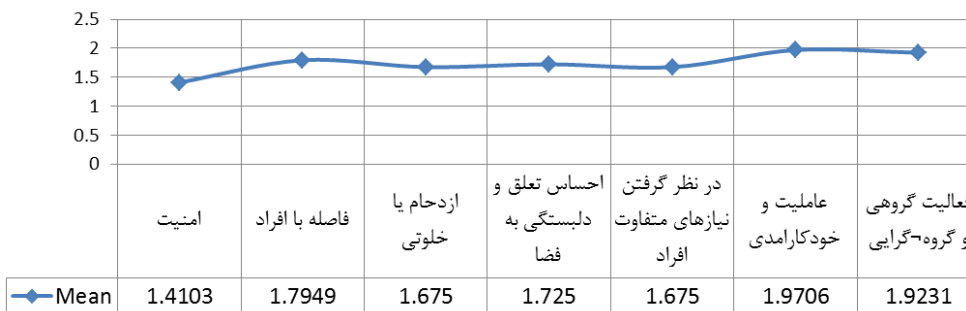
در این بخش پس از از جمع‌آوری اطلاعات بدست آمده از سؤالات و طبقه‌بندی آن‌ها، داده‌های تحقیق با استفاده از روش‌های علمی مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد تا بتوان با استفاده از روابط بین متغیرها و تجزیه و تحلیل آن‌ها، متناسب با اهداف پژوهش جمع‌بندی و نتیجه‌گیری نمود. تجزیه و تحلیل یافته‌ها در سه بخش انجام می‌شود و هم‌چنین در همین سه بخش به فرضیه‌های تحقیق نیز پاسخ داده می‌شود:

بخش اول (مطالعه و بررسی پرسش‌نامه متخصصین) داده‌های جمع‌آوری شده توصیف شده و از آمار توصیفی جهت مرتب کردن اطلاعات استفاده شده است، در بخش دوم (مطالعه و بررسی پرسش‌نامه کاربران) و بخش سوم (مطالعه و بررسی سؤالات تصویری) تحلیل داده‌ها مبتنی بر استنباط آماری صورت می‌گیرد و بر این مبنا داده‌های حاصل از تمام مراحل پژوهش در نمودار مربوطه نشان داده می‌شود.

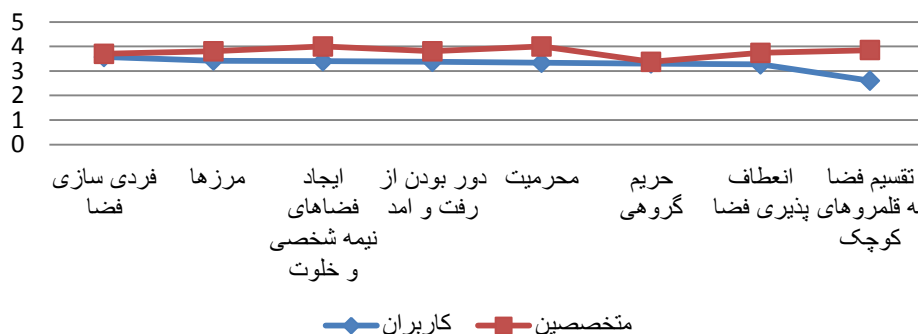
در نمودار مربوط به متخصصین مؤلفه‌های به‌دست آمده براساس میانگین مرتب شده است، بر همین اساس مؤلفه‌هایی که بنا به نظر متخصصین اصلی‌تر بوده و میانگین بیشتری را کسب کرده‌اند مبنای طراحی پرسش‌نامه کاربران قرار گرفته و مؤلفه‌هایی که میانگین پایین‌تری به‌دست آوردند از سؤالات حذف گشتند. داده‌های حاصل از پرسش‌نامه کاربران با آزمون t-test در نرم‌افزار spss تحلیل شد که جدول استخراجی در ادامه قابل مشاهده می‌باشد. نمودارها (نمودار شماره ۱ و ۲) که در ادامه آورده می‌شود حاصل از تحلیل پرسش‌نامه‌ی کاربران می‌باشد که بر اساس میانگین مرتب‌شده است (به علت ارزش‌گذاری از کم به زیاد در تحلیل نرم‌افزاری داده‌ها، میانگین‌ها نیز به ترتیب اهمیت از کم به زیاد اولویت‌بندی شده‌اند).



نمودار ۱: میانگین مولفه های کالبدی حاصل از پرسشنامه کاربران، نگارندگان



نمودار ۲: میانگین مولفه های روانی حاصل از پرسشنامه کاربران، نگارندگان



نمودار ۳: نتایج تحلیل مولفه های کالبدی حاصل از پرسشنامه کاربران و متخصصین

۲-۴ بررسی سؤال های تحقیق و ارائه نتایج

جهت «تفکیک مسیرها از جداره‌ها» سه نوع مرز صلب (۱)، مرز میانه (۲) و مرز ضعیف (۳) طراحی شده و از دانشجویان خواسته شد اولویت خود را انتخاب نمایند:

باتوجه به نتایج حاصل شده برای sig در آزمون t-test بین گزینه‌ی ۱ و گزینه ۳ با موضوع سؤال ارتباط وجود دارد و گزینه‌ی دوم به علت sig بالا ($sig < 0.02$) ارتباط معناداری ندارد. لذا از نظر کاربران برای ایجاد مرز، مرز میانه و مرز ضعیف یعنی تفکیک واضح و بصری نسبت به مرز صلب و ایجاد مانع ارجح است. همچنین باتوجه به میانگین حاصل شده مرز ضعیف (تفکیک بصری) نسبت به مرز میانه (تفکیک واضح) مطلوب‌تر است.

جهت «محرمیت در قلمروهای اجتماعی دانشجویان» باتوجه به نتایج حاصل شده برای sig در آزمون t-test بین گزینه‌ی ۱ و گزینه ۲ با موضوع سؤال ارتباط وجود دارد و گزینه‌ی سوم به علت sig بالا (0.51) با موضوع ارتباط معناداری ندارد. لذا از نظر کاربران برای تقسیم فضا و ایجاد یک قلمروی گروهی استفاده از حریم نسبت به عدم استفاده از آن ارجح است. همچنین باتوجه به میانگین حاصل شده استفاده از عوامل طبیعی و فضای سبز مانند درخت (شماره ۱) نسبت به آلاچیق (شماره ۲) مطلوب‌تر بوده است.

جهت «محرمت قلمروهای اجتماعی نسبت به مسیرها» باتوجه به نتایج برای sig در آزمون t-test بین گزینه‌ی ۱ و گزینه ۳ با موضوع سؤال ارتباط وجود دارد و گزینه‌ی دوم به علت sig بالا (۰.۱۶) با موضوع ارتباط معناداری ندارد. لذا از نظرکاربران برای انتخاب محل‌های استراحت و تعاملات اجتماعی قرارگیری در مسیرهای رفت و آمد بدون محرمت مناسب نیست. هم‌چنین باتوجه به میانگین حاصل شده اگر به کلی مسیرهای رفت و آمد از محل نشستن جداسازی شود (شماره ۱) نسبت به جداسازی نسبی آن (شماره ۳) مطلوب‌تر است.

جهت «قلمروپایی یا فضای شخصی افراد نسبت به یکدیگر» بتوجه به نتایج حاصل شده برای sig در آزمون t-test بین گزینه‌ی ۱ و گزینه ۳ با موضوع سؤال ارتباط وجود دارد و گزینه‌ی دوم به علت sig بالا (۰.۰۸۳) با موضوع ارتباط معناداری ندارد. لذا از نظرکاربران برای حضور فردی در فضا همانند فضای انتظار فاصله‌دار بودن نسبت به افراد دیگر مطلوب‌تر است. هم‌چنین باتوجه به میانگین حاصل شده اگر چیدمان به صورتی باشد که مثلاً با ایجاد زاویه ارتباط بصری بین افراد نیز محدودتر شود (شماره ۱) نسبت به نشستن آن‌ها رو به روی هم حتی با فاصله از فرد کناری (شماره ۳) اولویت دارد.

جهت «قلمروپایی اجتماعی گروه‌ها نسبت به یکدیگر» باتوجه به نتایج حاصل شده برای sig در آزمون t-test بین گزینه‌ی ۱ و گزینه ۳ با موضوع سؤال ارتباط وجود دارد و گزینه‌ی اول دوم به علت sig بالا با موضوع ارتباط معناداری ندارد. لذا از نظرکاربران برای حضور گروهی در فضا ایجاد حریم برای کل گروه نسبت به حالتی که قلمرو آن‌ها باز و بدون حریم است ارجح است.

جدول ۱. نتایج تحلیل مولفه‌های کالبدی

Sig(t-test)	انحراف معیار	میانگین	رفتار قلمروپایی (نوع تفکیک فضا باتوجه به مرزها)	متغیرها
0.000	0.477	0.333	تفکیک واضح در فضا (مانند جدول یا پوشش گیاهی)	تفکیک مسیرها از جدارها
0.324	0.160	0.025	تفکیک با ایجاد مانع عبور (مانند دیوار)	
0.000	0.485	0.641	تفکیک بصری دو فضا (مانند رواق یا درخت)	
0.000	0.488	0.632	قلمرو اجتماعی بصری (مانند محرمت با درخت)	محرمت در قلمروهای اجتماعی
0.002	0.431	0.237	قلمرو اجتماعی مکانی (مانند محرمت با آلاچیق)	اجتماعی دانشجویان (گردهمایی دوستانه)
0.051	0.563	0.184	قلمرو اجتماعی بدون محرمت (مانند میز و صندلی)	
0.000	0.507	0.500	تفکیک واضح میان مسیر و قلمرو	محرمت قلمروهای اجتماعی
0.160	0.226	0.053	عدم تفکیک مسیر و قلمرو	نسبت به مسیرها
0.000	0.504	0.447	تفکیک بصری مسیر و قلمرو	
0.000	0.468	0.692	تفکیک بصری قلمروهای فردی (مانند جیدمان L شکل)	قلمروپایی یا فضای شخصی
0.083	0.270	0.077	عدم تفکیک قلمروهای فردی نسبت به یکدیگر	افراد نسبت به یکدیگر (برای مثال فضای انتظار)
0.002	0.427	0.231	تفکیک واضح قلمروهای فردی (مانند قرار دادن میز میان صندلی‌ها)	
0.004	0.493	0.385	عدم تفکیک قلمروهای اجتماعی نسبت به یکدیگر	قلمروپایی اجتماعی گروه‌ها
0.003	0.409	0.205	تفکیک واضح قلمروهای اجتماعی نسبت به یکدیگر	نسبت به یکدیگر (برای مثال فضای عمومی سالن مطالعه، سلف و ...)
0.000	0.498	0.411	تفکیک بصری قلمروهای اجتماعی نسبت به یکدیگر	

۵- نتیجه گیری

در این بخش ابتدا به نتیجه گیری و توصیه ها با توجه به نتایج تحقیق پرداخته می شود، بعد از بررسی ها و تمرکز بر مطالعات مشخص می شود که درک روابط انسان و فضا مستلزم تجسم کردن زمینه های فیزیکی، اجتماعی، فرهنگی و روانی است و فضای مطلوب، جایی است که احساسات می تواند ابراز شود. در ارتباط با عوامل مطلوبیت فضای شخصی در محیط دانشگاهی با توجه به دسته بندی انجام شده در تحقیق می توان اشاره کرد که این فضا با دیگر فضاها، از تفاوت های قابل توجهی برخوردار می باشد زیرا که مطلوبیت علاوه بر عناصر کالبدی یک عنصر فرهنگی - اجتماعی، روانی و فردی نیز قلمداد می گردد، در واقع عوامل وابسته به مطلوبیت فضای شخصی از نگاه استفاده کنندگان آن (دانشجویان و اساتید) دارای دو بعد است؛ یکی ریشه در باورها و اعمال فرهنگی و روانی دارد که شامل عناصر غیر فیزیکی و دارای کیفیت ذهنی است و دیگری متأثر از زمینه های بیرونی و کالبدی است که بی تردید بر جنبه های فیزیکی تأکید دارد و طراح می تواند بر آن تأثیر داشته باشد.

از طرفی برای ایجاد مطلوبیت فضای شخصی تمام محیط باید به صورت یک کل یکپارچه در طراحی مد نظر قرار گیرد. لذا می توان فاکتورهایی که بر مطلوبیت مؤثرند اعم از کالبدی و غیر کالبدی را برشمرده و تأثیر هر کدام را بر دیگری بررسی کرده و در نهایت ارتباط آن ها را مشخص نمود.

«مشخصات کالبدی» عناصر عینی هستند که کیفیت فضا را افزایش داده و محصول آن ارزیابی مثبت کاربران خواهد بود. طراحی کالبدی مناسب فضاها، ارتباطات فضایی مناسب فضاها هم جوار و تناسب عناصر کالبدی با فرهنگ جاری در محیط بر افزایش تعاملات اجتماعی بین کاربران اثر مطلوب خواهد داشت، درک مطلوبیت فضا را می توان در آرامش ناشی از حضور در آن فضا جست و جو و کیفیت این آرامش را در بعد اجتماعی و با هم بودن تعریف نمود. عواملی مرتبط با مؤلفه هایی چون پیوستگی بصری، محصوریت بصری، خروجی و ورودی، منظرسازی، دسترسی بین فضاها معماری، کنترل رفت و آمد، فضاها برای گفتگو و مطالعه آزاد بر روی مبلمان های تعبیه شده، نسبت کمی و کیفی مناسب بین وسعت و حجم فضاها، ازدحام و تراکم متناسب، تعداد افراد، نحوه استفاده از فضا و ... موضوعاتی از این دست است. در نتیجه اثرات کالبدی این مسأله تنوع هایی را نشان می دهد که اگرچه در مبانی، وحدت و اشتراک دارند، مصادیق متعددی را صورت می بندند. از این رو در تحقیق حاضر مهم ترین مؤلفه های کالبدی از نظر متخصصان و کاربران حاصل شد، در این رهگذر، می توان با بررسی جزئی تر این مؤلفه ها به عنوان مؤلفه های تأثیرگذار برای طراحی فضاهای جدید که کیفیات خاصی را عرضه می دارند، استفاده نمود. لذا در ادامه برای مؤلفه های به دست آمده راهکارهایی جهت طراحی ارائه می گردد.

از بین این مؤلفه ها، عامل «ایجاد مرزها» به عنوان یکی از اصلی ترین فاکتورها مطرح شد، زیرا عوامل روانی متعددی منتهی شده به این عامل هستند، ایوانویچ^۷، مرزها را به سه دسته مرز صلب، میانه و ضعیف^۸ تقسیم کرده است. (تصویر شماره ۱ تا ۳) منظور از ایجاد مرز صلب (تصویر ۳) استفاده از عناصر فضایی است که مانع از عبور و مرور شده یا این کار به زحمت جدی دارد، برای نمونه دیوارها، فنس ها و ساختمان های بلند و تپه های طبیعی از این نوع می باشد.



تصویر ۳: مرزهای صلب (Ivanovic, 2013)

7 Glen Wash Ivanovic

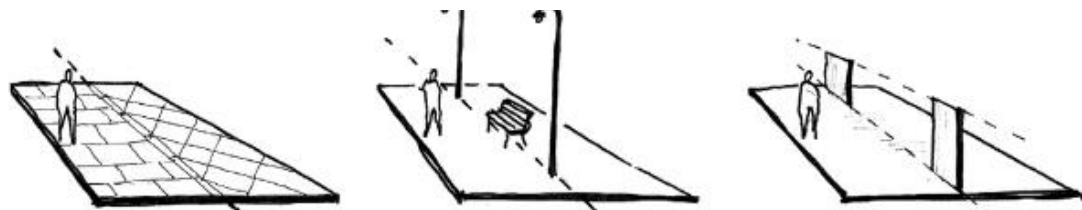
8 Strong boundaries, Intermediate boundaries and weak boundaries

در مرز میانه (تصویر ۴) استفاده از عناصری است که تفکیک واضح در فضا ایجاد می‌کند ولی به راحتی قابل عبور هستند به عنوان مثال تغییر جزئی در سطح ارتفاع این نوع از مرز را ایجاد می‌کند.



تصویر ۴: مرزهای میانه (منبع، همان)

و منظور از ایجاد مرز ضعیف (تصویر ۵) استفاده از عناصری است که اصلاً مانعی برای عبور نبوده و صرفاً از لحاظ بصری در فضا تمایز ایجاد می‌نمایند.



تصویر ۵: مرزهای ضعیف (منبع، همان)

طبق نتایج حاصل شده از نظر کاربران برای ایجاد مرز، اولویت ایجاد ابتدا با مرز ضعیف و سپس با مرز میانه بوده و استفاده از مرز صلب مطلوب نبوده است، با توجه به این موضوع استفاده «رواق، المان‌های عمودی برای نورپردازی، کف‌سازی و یا منظرسازی با درختان فاصله‌دار برای ایجاد مرز ضعیف مناسب است و طراحی مبلمان متناسب با فضا، تعبیه به جای پله‌های کوتاه یا رمپ‌ها و منظرسازی با مسیرهای قابل عبور از آب و گیاه» برای ایجاد مرز میانه مناسب به نظر می‌رسد که با توجه به فضا به جای مرزهای صلب در طراحی به کار گرفته شود.

محرمیت فضایی در کالبد و محتوای معماری ایرانی موضوع گسترده‌ای بوده و در واقع به‌عنوان یک کهن‌الگو شناخته شده است. می‌توان گفت که مراد از محرمیت، کالبد دادن به فضا به گونه‌ای است که دارای حریم از دو جنبه کالبدی و معنایی باشد. حریم داشتن در حوزه کالبد فضایی بیشتر متمرکز بر اصولی است که امنیت فضا را شکل خواهند داد و در حیطه معنایی ویژگی‌هایی است که حرمت و ارزش را برای فضای معماری به ارمغان آورد به گونه‌ای که فرد در آن به آرامش برسد (سیفیان و محمودی، ۱۳۸۶) با این تعریف محرمیت نه تنها به‌عنوان مؤلفه‌ی کالبدی بلکه به‌عنوان مؤلفه‌های روانی نیز مطرح می‌گردد و به‌طور کلی حوزه گسترده‌ای را در معماری شامل می‌گردد، اما با توجه به اقتضای نتایج تحقیق و با رعایت اختصار، به برخی از راهکارها برای ایجاد محرمیت پرداخته می‌شود. «داشتن امنیت بصری در فضا و نداشتن دید مستقیم به فضاهای گروهی و فردی با تعریف جداره‌های متفاوت و دیواره‌هایی که تا حدودی دید را محدود می‌نماید، استفاده از پوشش گیاهی برای کنترل دید، رعایت اصول سلسله مراتب، درون‌گرایی، تعریف فضاها به عمومی، نیمه عمومی، نیمه خصوصی و خصوصی، ایجاد حیاط‌های کناری و پشتی بین فضاها در طراحی، تفکیک عرصه‌ها و همچنین رعایت حریم‌های صوتی» همگی به ایجاد محرمیت کمک می‌نمایند. لازم به ذکر است در سؤالاتی که در مورد چیدمان در پرسش‌نامه‌ی تصویری نیز مطرح شد نتایج حاصل مستقیم و غیرمستقیم به اهمیت مقوله‌ی محرمیت اشاره می‌کند، در چیدمان فضاهایی مانند انتظار نتایج نشان می‌دهد ترجیح کاربران پرهیز فاصله‌ی نزدیک و ارتباط مستقیم بصری است و در جایی که چیدمان‌های گروهی مورد سؤال واقع شده از نظر کاربران ارجحیت با ایجاد حریم‌های گروهی بوده است تا عدم آن، لذا توجه به حریم‌ها در جهت ایجاد محرمیت چه در مورد خود فرد و چه در مورد گروه باید در طراحی لحاظ شود.

مؤلفه‌ی کالبدی دیگری که در تحقیق از نظر کاربران مورد اهمیت بوده است، «ایجاد فضاهای نیمه شخصی و خلوت» بوده است. راهکارهای ایجاد فضای نیمه شخصی و خلوت می‌تواند به فضاهای گوناگون از فضاهای عمومی مانند محوطه، کتابخانه و سایت گرفته تا فضایی شخصی مخصوص بانوان ارتباط پیدا کند، آنچه مورد نظر تحقیق است تقویت فضای شخصی است به طوری که منجر به منزوی شدن در فضا نگردد.

در فضاهای عمومی می‌توان با استفاده از تعریف کف، سقف یا جداره‌ی جزئی همانند آنچه تحت عنوان نشیمن‌های خاص یا بوت‌ها نام دارند اطراف فردی که مثلا در کتابخانه مشغول مطالعه است حریم ایجاد کرد، این فضا را در قسمت‌های گوناگون همانند محوطه باز، سایت، لابی و ... می‌توان ایجاد کرد. به طور کلی «تنوع در به کارگیری مصالح، تغییر ارتفاع در جهت خصوصی کردن فضا، تقسیم حیاط و محوطه باز به چندین فضای کوچک‌تر، کنج‌هایی تعریف شده، فضاهای دنج که امکان نظارت مناسب را دارند و مبلمان مناسب» در ایجاد خلوت فضاهای عمومی بسیار مناسب است.

در مورد مولفه‌ی بعدی «دور بودن از رفت و آمد» که در پرسش‌نامه‌ی تصویری نیز مورد سؤال قرار گرفت و نتایج حاصل نشان داد قرارگیری در مسیر، برای استراحت و حتی گفتگو با دوستان برای کاربران مطلوب نیست و لذا حتما نیاز به جداسازی این فضاها می‌باشد، جهت این امر می‌توان به مواردی از قبیل «تفکیک عرصه‌های عمومی و خصوصی که ناخود آگاه رفت و آمد را تحت کنترل در آورده و فضاهای خصوصی‌تر کمتر مورد آمد و شد قرار می‌گیرند، تعریف لایه‌های حرکتی متفاوت متناسب با سرعت حرکت، تعریف و جداسازی فضای مکث» اشاره داشت.

جدول (۲): عناصر کالبدی قلمروگرایی مؤثر بر افزایش تعاملات اجتماعی

عناصر کالبدی	درک مطلوبیت فضا از نظر کاربر	مشخصات کالبدی مؤثر بر افزایش تعاملات اجتماعی
رواق المان‌های عمودی برای نورپردازی کف‌سازی منظرسازی با درختان فاصله‌دار	اولویت مرز ضعیف و سپس مرز میانه	ایجاد مرزها
طراحی مبلمان متناسب با فضا تعبیه به جای پله‌های کوتاه یا رمپ‌ها منظرسازی با مسیرهای قابل عبور از آب و گیاه		
نشیمن‌های خاص یا بوت‌ها تنوع در به کارگیری مصالح تغییر ارتفاع در جهت خصوصی کردن فضا تقسیم حیاط و محوطه باز به چندین فضای کوچک‌تر کنج‌هایی تعریف شده فضاهای دنج که امکان نظارت مناسب را دارند مبلمان مناسب	محرمیت فضایی	ایجاد فضاهای نیمه شخصی و خلوت
تفکیک عرصه‌های عمومی و خصوصی تعریف لایه‌های حرکتی متفاوت متناسب با سرعت حرکت تعریف و جداسازی فضای مکث	استراحت و حتی گفتگو با دوستان	دور بودن از رفت و آمد

به‌عنوان جمع‌بندی در طراحی کالبدی فضا می‌توان گفت، مسئله مهم این است که فضاهای مختلف دانشگاه باید به گونه‌ای طراحی شوند تا کاربر بتواند خصوصی، نیمه‌خصوصی یا عمومی بودن آن‌ها را بازشناسد و به اندازه مناسب، بر مکان تسلط یابد. همان‌طور که در بخش‌های قبل اشاره شد نقش طراحی کالبدی مناسب فضا در افزایش ارتقا فضای شخصی آسان‌سازی تعامل اجتماعی و پایایی نظام‌های اجتماعی است، بنابراین طراح در طراحی محیط باید به نوآوری روش‌هایی بپردازد که این تفکیک را به روشنی تعریف کند؛ طرح باید به گونه‌ای باشد که مطمئن باشیم کاربران اصلی و بیگانگان لایه‌های گوناگون را به درستی باز می‌شناسند زیرا که در غیر این صورت میان افراد تضاد پیش می‌آید و احتمال تجاوز به فضای شخصی کاربران بیشتر می‌شود.

تقدیر و تشکر

نویسنده بر خود لازم می‌داند مراتب تشکر از استاد راهنما، اساتید محترم و دانشجویان عزیز که ما را در انجام و ارتقای کیفی این تحقیق یاری دادند، اعلام نماید.

مراجع

- ۱- جوان فروزنده، ع. و مطلبی، ق. (۱۳۸۹). مفهوم حس تعلق به مکان و عوامل تشکیل دهنده آن. مجله هویت شهر، ۵(۸)، ۲۷-۳۷.
- ۲- بمانیان، م.، عینی‌فر، ع.، انصاری، م. و یگانه، م. (۱۳۹۳). تبیین رابطه رفتار قلمروپایی شهروندان با معیارها و میزان ادراک پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهر (مطالعه موردی: خیابان ولیعصر تهران). هویت شهر، ۸(۱۹)، ۵-۱۸.
- ۳- حنیفه، ف.، رشیدکلویر، ح.، ابوالقاسمی، ع. و محمدی، ش. (۱۳۹۷). پیش‌بینی تمایلات اجتماعی بر اساس شاخص‌های قلمروگرایی در ساکنین مجتمع‌های مسکونی شهر رشت. معماری و شهر پایدار، ۶(۲)، ۸۵-۹۶.
- ۴- انصاری، م.، جمشیدی، س. و الماسی‌ف. (۱۳۸۹). بررسی حس قلمرو و رفتار قلمروپایی در پارک‌های شهری (مطالعه موردی: پارک ساعی). نشریه معماری و شهرسازی آرمان شهر، ۳(۴)، ۳۳-۴۸.
- ۵- عظمتی، ح.، پورباقر، س. و محمدی، م. (۱۳۹۵). عوامل مؤثر بر مطلوبیت فضاهای شخصی در محیط‌های آموزشی دانشگاهی (مطالعه موردی: دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی). فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست، ۱-۱۱.
- ۶- زارعی حاجی‌آبادی، ف. و س. (۱۳۹۵). نقش محیط ساخته شده در تعاملات دانشجویان در فضاهای غیر رسمی مدارس معماری نمونه موردی: دانشکده هنر و معماری دانشگاه بوعلی و پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران. هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، ۲۱(۱)، ۷۹-۹۰.
- ۷- عظمتی، س. (۱۳۹۱). طراحی فضاهای آموزشی با تأکید بر مطلوبیت فضای باز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران.
- ۸- فلاحت، م. (۱۳۸۵). مفهوم حس مکان و عوامل شکل‌دهنده آن. نشریه هنرهای زیبا، ۲۶، ۵۷-۶۶.
- ۹- پورباقر، س. (۱۳۹۲). عوامل کالبدی مؤثر در ارتقاء رضایت‌مندی دانش‌آموزان در فضاهای آموزشی (نمونه موردی: مدارس متوسطه شهر تهران)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران.
- ۱۰- موسی‌زاده، ا. و مصطفی‌زاده، ف. (۱۳۹۱). نگاهی به مفهوم و مبانی حق بر حریم خصوصی در نظام حقوقی عرفی. فصلنامه دانش حقوق عمومی، ۱(۲).
- ۱۱- سیفیان، م. و محمودی، م. (۱۳۸۶). محرمیت در معماری سنتی ایران، مجله هویت شهر، ۱.

- ۱۲- اکبری، ر. و پاک بنیان، س. (۱۳۹۱). تأثیر کالبد فضاهای عمومی بر احساس امنیت اجتماعی زنان بررسی تطبیقی در دو مجموعه مسکونی با الگوی متفاوت (متعارف و بلند مرتبه). فصلنامه هنرهای زیبا تهران (۲)
- ۱۳- لنگ، ج. مترجم عینی فر، ع. (۱۳۸۱). آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط. مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران
- ۱۴- مدنی پور، ع. (۱۳۹۱). فضاهای عمومی و خصوصی شهر. نوریان، ف.
- ۱۵- آلمن، ا. مترجم نمازیان، ع. (۱۳۸۲). محیط و رفتار اجتماعی (خلوت، فضای شخصی، قلمرو، ازدحام). تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی
- ۱۶- ارژمند، م. و خانی، س. (۱۳۹۱). نقش خلوت در معماری خانه ایرانی. فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۲(۷)، ۲۷-۳۸.
- ۱۷- فرهنگی، ع. (۱۳۷۳). مبانی ارتباطات انسانی، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا
- ۱۸- سیفیان، م. و محمودی، م. (۱۳۸۶). حریمت در معماری سنتی ایران، مجله هویت شهر. ۱(۱)، ۳-۱۴.
- 19- Raeesi, I & Sadat Hosseini, E. (2015). Investigating the relationship between privacy and interaction in several residential complexes in Qazvin, *Journal of Hoviatshahr*, 9(21), 29-40.
- 20- Hosseini, A.; Jafarzadeh, T. & Rahban, F. (2016). Compilation of grammar of designing spatial domains of housing to improve the interaction of family members, *Journal of Housing and rural environment*, 154, 41-58.
- 21- Ivanovic, G W. (2013). People as place-making coordinate: A methodology for visualizing personal spaces; *Frontiers of Architectural Research* 3, 36-43
- 22- Canter, D. (1997); The Facets of place in G T Moore & R W Marans (eds) *Advances in Environment, Behavior, and Design*. 4. New York. Plenum. Pp 109
- 23- Crowe, S (2011). Get Back! The Use of Personal Space Among College Students. *Journal of Interdisciplinary Undergraduate Research*. 3(1), 2.
- 24- Moghaddam, F.M. (1998). *Social psychology: Exploring universals across cultures*. New York, NY: W.H. Freeman & Company.
- 25- Bell, P., Green, T., Fisher, J., & Baum, A. (1996). *Environmental Psychology* (4th edition.). Fort Worth: Harcourt Brace College Publishers.
- 26- Uzzell, D., & Horne, N. (2006). The influence of biological sex, sexuality and gender role on interpersonal distance. *British Journal of Social Psychology*, 45, 579-597.
- 27- Tanner, C. K. (2006). Effects of the school's physical environment on student achievement. *Educational Planning*, 15(2), 25-44.
- 28- Hall, Edward T., (1996). *The Hidden Dimension*. Lowe & Brydone Ltd., London.

The role of territorial behavior in improving the desirability of students' social interactions in academic environments (Case study: Shahid Rajaei University)

Mona Mohammadi¹, Hamidreza Azemati^{2*}

1. Ph.D. Candidate in Architecture, Department of Architecture, School of Architecture and Urban Design Engineering, Shahid Rajaei Teacher Training University, Tehran, Iran.

mona.mohammadi@sru.ac.ir

2. Professor, Department of Architecture, School of Architecture and Urban Design Engineering, Shahid Rajaei Teacher Training University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

azemati@sru.ac.ir

Abstract

The desirability of students' social interactions plays a fundamental role in enhancing the quality of formal and informal academic spaces. The present study aims to investigate the territorial behavior in the academic environment concerning the concept of "boundary" to improve students' social interactions. This study is applied and mixed-method research, in which a survey study is applied to A) evaluate the individuals' views and develop the objective table and contents. Through data collection and employing written sources and semi-structured interviews with psychology and architecture professors B) develop a visual questionnaire, according to the table and distribute them among the research population.

In the present study, to fill out the questionnaire, 17 professors are interviewed, and 45 architecture students of Shahid Rajaei University are asked. Data are collected using interviews, observations, and questionnaires. The statistical population includes architecture students of Shahid Rajaei University. Also, the samples are selected by a cluster sampling technique. After classifying the obtained data using SPSS software, they are investigated and analyzed to extract desired boundaries from the students' views utilizing a t-test. Findings indicate that students consider in-between boundaries to be more desirable for spatial privacy in the presence of individuals and friendly gatherings.

Keywords: Territorial Behavior, Boundaries, Privacy, Social Interactions, Academic Environment.



This Journal is an open access Journal Licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License

(CC BY 4.0)